



استاد جواد علیزاده، کاریکاتوریست ورزشی

ورزش کاریکاتور

یکی از مقوله‌های مرتبط با ورزش که همه آن را دیده‌ایم، ولی کمتر کسی به آن توجه می‌کند، «کاریکاتور ورزشی» است. این در حالی است که همیشه کاریکاتوریست‌ها به بهترین شکل می‌توانند کمبودها و مشکلات را به تصویر بکشند. در این شماره پای صحبت جواد علیزاده نشستیم؛ کاریکاتوریستی که به شکل اختصاصی به کشیدن کاریکاتورهای ورزشی پرداخت، مجله «طنز و کاریکاتور» را منتشر کرد و برخی از ویژه‌نامه‌های کاریکاتور او به شمارگان ۱۵۰ هزار نسخه رسیدند!

آرژانتین و انگلستان) مورد توجه همگان بود. و مارادونا در روزهای اوج خود به سر می‌برد. او مثل یک ژنرال با گل‌هایی که به انگلستان زد، انتقام ملت آرژانتین را پس از اشغال جزایر مالویناس (فالکلند) از انگلیسی‌ها گرفت. این موضوع برای تمام جهان سومی‌ها دلچسب بود. من هم به مارادونا علاقه داشتم و احساس خودم را در آن گاه‌نامه منعکس کردم.

■ از شکل‌گیری شخصیت «مفسر شوت» بگوئید.

در جام جهانی ۱۹۹۰ نمادی به نام «مفسر شوت» طراحی کردم. «شوت» دو معنا داشت: معنای فوتبالی که همان شوت‌زدن و سروکار داشتن با شوت است و معنای عام آن که می‌گویند «فلانی آدم شوتی است!» من در قالب این شخصیت پیش‌بینی کردم که در افتتاحیه این جام، کامرون در برابر آرژانتین پیروز می‌شود. همین اتفاق هم رخ داد! از همان سال (۱۳۶۹) مجله «طنز و کاریکاتور» کار خود را آغاز کرد و به این ترتیب انتشار آن گاه‌نامه‌های ورزشی خاتمه یافت.

■ درباره سبک کار خود بیشتر توضیح دهید. در کشیدن کاریکاتور، چه نوآوری‌هایی داشتید؟

من سبک جدیدی را در کاریکاتور ورزشی در پیش گرفتم. برای مثال کتابی به نام «آلبوم فوتبال» منتشر کردم و در آن، کاریکاتور حدود ۵۰ ستاره جام جهانی را از جام ۱۹۶۲ به بعد ترسیم کردم. از هر دوره چند نفری را انتخاب کرده بودم. اما این تنها

با اینکه در زبان انگلیسی تحصیل می‌کردم، اما هنوز هم معتقدم که از علاقه اصلی‌ام دور نشدم. زیرا کاریکاتور نیز نوعی ترجمه است؛ ترجمه سختی‌های زندگی به زبان طنز. به هر شکل از همان سال نیز همکاری خود را با «مجله کاریکاتور» آغاز کردم.

■ چگونه به کاریکاتور ورزشی روی آوردید؟

من به فوتبال به قدری علاقه داشتم که حتی در دوران مدرسه به ورزشگاه امجدیه می‌رفتم و صحنه‌های ورود توپ به دروازه، فیگورهای دروازه‌بان و شوت‌کردن بازیکنان را می‌کشیدم.

بعدها بی‌مهری‌هایی علیه من صورت گرفت و به این ترتیب از محل کار خود بیرون آمدم و به صورت آزاد شروع کردم به چاپ گاه‌نامه‌های گوناگون در زمینه‌های ورزشی، سینمایی و...

■ اولین بار به چه مناسبتی چنین گاه‌نامه‌ای منتشر کردید؟

جام جهانی ۱۹۸۲ اولین گاه‌نامه‌ام به چاپ رسید. در آن ایام ماجرای نبرد فالکلند (بین

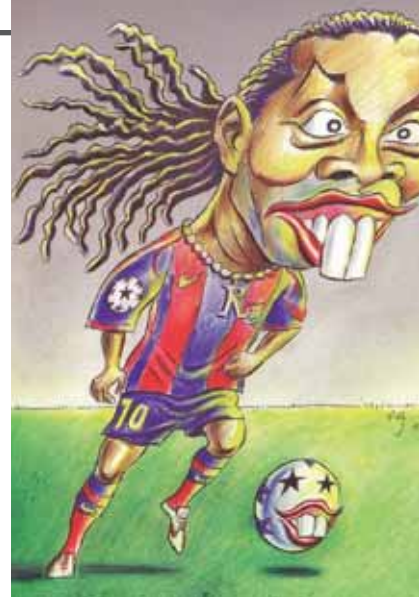
■ دوست داریم درباره شما از زبان خودتان بشنویم

من جواد علیزاده متولد ۱۳۳۱ در روستای پارس‌آباد مغان اردبیل هستم. حدوداً چهار ساله بودم که خانواده‌ام به تهران منتقل شدند و دوران دبستان را در مدرسه «هوشمند» سپری کردم. از همان زمان متوجه شدم که در نقاشی مهارت دارم. اکثر کاریکاتورهای من زندگی مشابه هم دارند و معمولاً همگی در دبستان متوجه استعداد خود می‌شوند. غالباً هم اولین سوژه این افراد، کاریکاتور معلم‌هایشان است! طبیعتاً اگر معلم از دیدن کاریکاتور خود دلخور شود، دانش‌آموز را مؤاخذه و از کلاس اخراج می‌کند. اما

اگر همدردوست باشد، این حرکت را تشویق می‌کند. این رفتارها با من هم شده است؛ برخی معلم‌ها مرا اخراج می‌کردند و برخی دیگر مشوق من بودند.

■ آیا در دوران جوانی فرصت کردید به روش علمی علاقه خود را دنبال کنید؟ من در سال ۱۳۵۰ وارد دانشگاه شدم. البته





ستون‌هایی مربوط به کاریکاتور وجود داشت که همراه با شرح کاریکاتور بود و به فوتبال انگلستان می‌پرداخت. اما اینکه نشریه‌ای به صورت کاملاً تخصصی به کاریکاتور ورزشی بپردازد، مشاهده نکرده‌ام.

■ **گسترش اینترنت در روزگار کنونی به هنر کاریکاتور کمک کرده است یا خیر؟**
هر پدیده‌ای هم جنبه مثبت دارد و هم جنبه منفی. باید سنجید و دید که جنبه‌های مثبت هر پدیده بیشتر است یا جنبه‌های منفی آن. پدیده اینترنت سبب شد که هر کسی بتواند کاریکاتور خود را در آن قرار دهد و پیام خود را بیان کند. ولی در مقابل این عیب هم وجود دارد که یک کاریکاتور است آماتور هم می‌تواند کاریکاتور خود را در آن قرار دهد؛ بدون آنکه نظارتی بر کار او صورت بگیرد. در حالی که در دوران ما، باید مدت‌ها منتظر می‌ماندیم تا سردبیری کارهای ما را ببیند، ایرادات آن را بگیرد و به مرور ما را راهنمایی کند.

■ **یک کاریکاتور چیست در جامعه چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟**
همیشه گفته‌ام که کاریکاتور هنری است که هم به نفع مردم جامعه و هم به سود نظام است. زیرا کاریکاتور است در حقیقت آسیب‌شناس است و به «اعتدال» کمک می‌کند. هیچکس هنگام معاینه خودروی خود، از مسئول معاینه ایراد نمی‌گیرد. کاریکاتور است‌ها هم از آن جهت که نماینده مردم عادی هستند، اگر انتقادی درباره گرانی، فقر، بی‌کاری و... داشته باشند، مسئولین باید از آن استقبال کنند.

به تصویر آن‌ها محدود نبود، بلکه فیگور و استایل آن‌ها را نیز می‌کشیدم. آناتومی بدن در کاریکاتورهای ورزشی اهمیت فراوانی دارد.

■ **در راه چاپ کاریکاتورهایتان چه دشواری‌هایی داشته‌اید؟**

کارم بسیار سخت بود. آن ایام، روزهای اوج مارادونا و میشل پلاتینی و بعدها رود گولیت بود. اما حتی در کشیدن کاریکاتور آن‌ها هم مشکل داشتیم. در آن زمان اعتقاد مسئولان بر این بود که این چیزها در ایام جنگ مناسب نیستند. یا می‌گفتند هیجان برای جوان ایرانی مضر است. من در جواب می‌گفتم که دشمن ما در جنگ، راهی جام جهانی شده است.

در آن زمان دستگاه‌های فتوکپی مثل الان فراوان نبودند. مثلاً اگر من از ۲۰ فوتبالیست کاریکاتور کشیده بودم و می‌خواستم آن‌ها را تحویل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بدهم، جایی نبود که از آن‌ها فتوکپی بگیرم و یک نسخه را برای خودم نگه دارم. حتی مغازه‌های عادی نیز می‌گفتند بدون مجوز وزارت ارشاد کپی نمی‌گیریم! این مشکل را به وزارت ارشاد اطلاع می‌دادم تا شاید آن‌ها مجوز بدهند، اما آن‌ها هم می‌گفتند که قبل از چاپ مجوز نمی‌دهند! به این ترتیب غالباً مجبور بودم تمام کاریکاتورهایم را مجدداً ترسیم کنم و فتوکپی کارهای خودم باشم! در آن زمان وزارت ارشاد برای آثار قیمت تعیین می‌کرد. به این ترتیب باید شمارگان ۲۱۰ هزار تایی آماده می‌شد و اگر صد درصد این شمارگان به فروش می‌رسید، ۱۰ تا ۲۰

هزار تومان به من می‌رسید. شاید هیچ انسان عاقلی چنین کاری نمی‌کرد، ولی علاقه سبب می‌شد که من چنین کاری انجام دهم.
■ **ماندگارترین آثار شما کدام یک بوده‌اند؟**

در آن ایام - که دوران اوج نشریات کاغذی بود - مجلات معتبری وجود داشتند که گهگاه کاریکاتورهای مرا به چاپ می‌رساندند. مثل «football magazine» آلمان که کاریکاتور مرا از تیم ملی آلمان چاپ کرد. مجله «shoot» انگلستان کاریکاتور **پل گاسکویین** را از من منتشر کرد. «mondial» فرانسه نیز کارهای مرا به چاپ رساند.

■ **در جاهای دیگر دنیا هم مجلاتی شبیه مجله طنز و کاریکاتور وجود دارند که تمام مطالبشان کاریکاتور فوتبالی باشد؟**

یادم می‌آید در مجله shoot انگلستان - که کاملاً تخصصی و جدی به فوتبال می‌پردازد -

